

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان : تعداد و اسامی یاران اباعبدالله الحسین علیه السلام

پژوهشگر : نیره قربانی

طلبه پایه دوم – مدرسه علمیه شهیده بنت الهدی

علی آباد کتول – استان گلستان

چکیده

موضوع مورد مطالعه تعداد و اسامی یاران اباعبدالله الحسین علیه السلام می باشد.

منابع مختلف تعداد یاران امام حسین علیه السلام را در کربلا متفاوت ذکر کرده اند. به طور مثال در زیارت ناحیه مقدسه؛ غیر از سالار شهیدان و خاندان بنی هاشم، نام ۸۲ نفر از شهدا آمده است.

اما بابررسی در کتب تاریخی دیگر آماری را بدست آورده که به ترتیب در هر مرحله از حرکت این کاروان تعداد یاران حضرت را بیان کرده اند. به طور مثال: یاران و همراهان امام حسین علیه السلام هنگام خروج از مکه ۱۲۴ نفر ذکر شده است. تعداد همراهان لحظه ی ورود به کربلا ۵۰۰ سوار و ۱۰۰ نفر پیاده ذکر گردیده است. تعداد خاندان بنی هاشم مجموعاً ۲۴ نفر بیان شده است. همه ی یاران پاک باز و مخلص، وفادارترین، عارف ترین و عاشق ترین یارانی که تاریخ به خود دیده است پاره پاره تن و ارغوانی برخاک داغ میدان افتاده و روح پاک و تابناکشان در افق فوز و فلاح و وصل بال و پر گشوده بود. یارانی که در شب عاشورا می گفتند:

« به خدا سوگند اگر بدانیم که کشته می شویم، آن گاه ما را زنده می کنند، سپس می کشند و خاکسترمان را بر باد می دهند، و این کار را هفتاد بار تکرار می کنند، از تو (اباعبدالله الحسین علیه السلام) جدا نخواهیم شد تا اینکه در راه توجان بسپاریم. یک کشته شدن که بیش نیست، و آن شهادت است و کرامت جاوید و سعادت ابدی »

آری با این گونه مردان، می توان شوری در تاریخ بشر انداخت به نام «شهادت» و طنینی در گنبد افلاک در افکنده نام

«عاشورا»

کلیدواژگان : یاران – اباعبدالله الحسین علیه السلام

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۲	شناخت مختصری از زندگانی امام حسین (علیه السلام)
۳	مخالفت با بیعت یزید
۴	خروج از مکه
۶	کاروان کربلا
۸	شب عاشورا
۹	گزارش امام سجاد علیه السلام آخرین تصفیه ها و اتمام حجت ها
۱۰	عکس العمل یاران خویش
۱۱	جنگ روانی در شب عاشورا
۱۳	پیوستگان در شب عاشورا
۱۴	مزاح و سرخوشی یاران
۱۴	پاک و خوش بو در انتظار وصال
۱۵	اباعبدالله و آمادگی برای نبرد
۱۵	دیدار بهشت پیش از وصال بهشت
۱۶	شهیدان نخستین حمله (تیرباران صبح)
۱۸	تصویرکلی از شهیدان نبرد تن به تن
۲۰	شهیدان نماز و پس از نماز ظهر عاشورا
۲۱	شهادت بنی هاشم
۲۴	آمارهایی از شهدای بنی هاشم در کربلا
۲۵	فهرست منابع

مقدمه

حمد از آن خدایی است که ناله های دد دان بیابان می داند و گناه بندگان را در نهان و رفت و آمد ماهیان را در دریاهای ژرف و موج آب رابه گرد باد و رحمت و درود برسید کائنات و مهتر اهل زمین و سماوات، محمد مبعوث به معجزات باهرات و آیات بینات و برخاندان پاک و مظلوم وی که چراغ ظلمات و عصمت امت از مهلکاتند و خصوص بر امام مظلوم شهید، قتیل عبرات و اسیر کربات، حسین، مصباح هدی و کشتی نجات.

اگر حسین، مصباح است یعنی در تیرگی های وحشت بار و تاریکی های نفس گیر، تکیه گاه روشن و شفاف و اگر سفینه است؛ یعنی در موج خیز حادثه ها و خیزاب های هولناک، کشتی نجات؛ پس چرا عاشورای او را از منظر روشنگری و راهگشایی و به ساحل رسانی نبینیم؟

چرا در عصر گم شدگی انسان و طوفان خیزی و وارونگی زمان، از حسین و عاشورایش، همچون حبلی متین و عروه الوثقیایی مبین بهره گیری نکنیم و گذار از جاده های خطر را با این همراه مطمئن آغاز نکنیم؟

عاشورا چه ندارد تا به سراغ سرمشق ها و مکتب های دیگر برویم؟

این رسا خیز عظیم، همه ی درس های لازم برای صلاح و فلاح را دارد. کربلا قصه ی زیستن و دیگر گونه زیستن و حیات طیبه را تجربه کردن است. در کربلا، همه ی عناصر لازم برای سیر به کمال، عزت و رستگاری پیدا است. معنویت، زیبایی، فضیلت های انسانی، حضور همه ی انسان، حضوری فاصله ی خدا، حضور همه ی ارزش ها و در یک کلام، حضوری پرده ی خدا، انسان، راستی و درستی و حقیقت زلال قرآن تنها و تنها در همین حادثه یافتنی و ادراک شدنی است. عاشورا، نه روزی است از جنس روزهای معمولی و نه حادثه ای خزیده در گوشه ای از حافظه ی تاریخ؛ عاشور زنده و زاینده است.

عاشورا، دانشگاه ایمان و عرفان و پاکی و پاک بازی و پاک زیستن است. مکتب انسان شناسی و انسان آگاهی و انسان پروری است و ما نیازمند همواره ی باز شناسی و مرور و مطالعه ی آن هستیم.

باید در بازخوانی عاشورا و کربلا همیشه یادمان باشد که چشم انداز بیرونی و ظاهر شگفت و شورانگیز و سوک آمیز آن، مارا از سیر در اعماق آن باز ندارد و بکوشیم تا چونان غواصی ماهر، گوهرهای ناب و نایاب از ژرفای آن استخراج کنیم و جان و جهانمان را بدان ها بیاراییم.

ما از چشم انداز بیرونی عاشورا ناگزیریم چون شناخت خود حادثه و سیر آن ضرورت دستیابی به درون راز آمیز آن است اما نباید به شناسایی سطح بسنده کنیم و شیوه ی شیرین قرآن در برخورد با حادثه ها را که ژرفا کاری و عبرت و تنبه و تذکراست، نگاه از بیرون و حرکت به درون حادثه ها.

بر خورد بُرشی با کربلا و عاشورا و تنها طرح برخی قطعات این رویداد عظیم-آن هم عمدتاً از منظر سلوک و مرثیه-باعث غفلت از دیگر ابعاد و اضلاع آن شده است. هر چند سوز و مرثیه و اشک ارجمند و ستودنی است و در قلمرو روایات بدان بسیار توصیه شده است اما باید دانست که اشک مقصد نیست؛ مقدمه ی گره خوردگی عاطفی و قلبی ما با کربلا و عاشورا برای تبدیل آن به اسوه و سرمشق در زندگی است؛ چرا که اباعبدالله الحسین علیه السلام خود در کربلا فرمود: «لکم فی اسوه» امید است این تحقیق، گشودن پنجره ای تازه برای تماشا و ادراک زیباترین و باشکوه ترین تابلوی هستی باشد؛ تابلویی که زینب سلام الله علیها در کلام کو بنده خود در مجلس بیداد عبیدالله زیاد، آن را نمایانند و شناساند که والله ما را یت الاجمیل؛ به خدا من جز زیبایی در کربلا ندیدم.»

خداوند چشم های ما را بصیرت زینبی عنایت کند تا کربلا را از زیبا و عمیق و روشن در قالب قلبمان بیابیم و در متن زندگیمان جست و جو کنیم.

شناخت مختصری از زندگانی امام حسین علیه السلام

سومین امام معصوم، در سوم (یا چهارم) شعبان سال چهارم هجری در شهر مدینه دیده به جهان گشود. او دومین ثمره ی پیوند فرخنده ی علی علیه السلام و حضرت فاطمه دختر پیامبر اسلام صل الله علیه وآله بود.

حسین بن علی علیه السلام در دوران عمر خود به شجاعت و آزادگی و ایستادگی در برابر ظلم و ستم شهرت داشت. حضرت مدت شش سال از دوران کودکی خود را در زمان جد بزرگوار خود سپری کرد و پس از رحلت پیامبر اسلام، مدت سی سال در کنار پدرش امیر مومنان علیه السلام زندگی کرد و در حوادث مهم دوران خلافت ایشان به صورت فعال شرکت داشت. پس از شهادت امیر مومنان علیه السلام (در سال ۴۰ هجری) مدت ده سال در صحنه ی سیاسی و اجتماعی در کنار برادر بزرگوار خود حسن بن علی علیه السلام قرار داشت و پس از شهادت امام حسن علیه السلام (در سال ۵۰ هجری) به مدت ده سال، در اوج قدرت معاویه بن ابی سفیان، بارها با وی پنجه در افتاد و پس از مرگ وی نیز در برابر حکومت پسرش یزید قیام کرد و در محرم سال ۶۱ هجری در سرزمین کربلا به شهادت رسید.

مخالفت با بیعت یزید

از نظر زمانی، نخستین عامل، درخواست بیعت از امام حسین علیه السلام از طرف حکومت یزید و مخالفت آن حضرت با این بیعت است. چنان که مورخان می گویند، پس از معاویه در نیمه ی ماه رجب سال ۶۰ هجری یزید به «ولید بن عتبہ بن ابی سفیان» حاکم مدینه، نوشت که حسین بن علی برای خلافت او بیعت بگیرد و به وی فرصت تاخیر در این کار را ندهد. با رسیدن نامه ی یزید، حاکم مدینه حسین بن علی علیه السلام را خواست و موضوع را با او در میان گذاشت. حسین علیه السلام که از زمان حیات معاویه با ولیعهدی یزید به شدت مخالفت کرده بود، این بار نیز از بیعت سرباز زد؛ زیرا بیعت با یزید، نه تنها به معنای صحنه گذاشتن بر خلافت شخص ننگینی مانند او بود، بلکه به معنای تایید بدعت بزرگی همچون تأمین رژیم سلطنتی بود که معاویه آن را پایه گذاری کرده بود.

چند روز فشار از طرف حاکم مدینه ادامه داشت، ولی حسین بن علی علیه السلام در برابر آن مقاومت می کرد. بر اثر تشدید فشار، حضرت در ۲۸ رجب با اعضای خانواده و گروهی از بنی هاشم، مدینه را به سوی مکه ترک گفت و در سوم شعبان وارد این شهر شد.

انتخاب مکه از میان شهرهای مختلف، به این دلیل بود که مکه، حرم امن بود، و علاوه بر آن موسم حج در پیش بود و با توجه به اجتماع قریب الوقوع حجاج در مکه، این شهر بهترین جابرای ابلاغ پیام امام و رساندن اهداف او به اطلاع مسلمانان بود.

نهضت امام حسین علیه السلام تا اینجما هیئت عکس العملی داشت، آن هم عکس العمل منفی در برابر یک تقاضای نامشروع؛ زیرا حکومت یزید از او با فشار و اصرار، بیعت می خواست و او خودداری می ورزید، ولی در هر حال این موضوع روشن است که امام پیش از آن که دعوت کوفیان پیش آید، در برابر فشار حکومت یزید، از خود مخالفت نشان داد و اگر دعوت آنان نیز نبود، باز امام بایزید بیعت نمی کرد.

خروج از مکه

زمان حرکت: هشتم ذی الحجه (یوم الترویة)، همان روزی که مسلم در کوفه قیام کرد. بعضی آن را سه شنبه، برخی چهارشنبه و برخی دوشنبه دهم ذی الحجه دانسته اند. به نظر می رسد هشتم ذی الحجه و روز سه شنبه دقیق تر است. این زمان مطابق ۳۰ شهریور ماه ۵۹ شمسی است.

شیوه حرکت: در سکوت، با حفظ همه ی جوانب و با استفاده از تاریکی صبحگاهان، برای حفظ اهل حرم از دیدگاه تماشاگران.

همراهان کوفی امام از مکه به سمت عراق: بریر بن خضیر همدانی، عباس بن ابی شیب شاکری، شوذب بن عبدالله همدانی شاکری، قیس بن مسهر صیداوی، عبدالرحمن بن عبدالله ارحبی، حجاج بن مسروق جعفری، یزید بن مغفل جعفری. (مجموعاً ۷ نفر که نامه رسان و پیک اهل کوفه بودند و بارساندن نامه ها در مکه ماندند.)

همراهان بصری امام: حجاج بن بدر تمیمی سعدی، قعنب بن عمر نمری، یزید بن ثبسیط عبدی و دوپسرش عبدالله و عبیدالله، ادهم بن امیه عبدی، سیف بن مالک عبدی، عامر بن مسلم عبدی و غلامش سالم. (این ۹ نفر در طول مدت اقامت اباعبدالله در مکه به وی پیوستند).

تعداد همراهان: تواریخ: ۶۰، ۸۲، ۷۰ تن از دوستان، خویشان و ندان و شیعیان ذکر کرده اند. (۱۶ نفر مرد از اهل بیت او بودند).

آمار کلی همراهان:

با این آمار، هنگام حرکت امام حسین به سمت کوفه (خروج از مکه)، مجموعه ی همراهان چنین می شود.

۱- فرزندان امام حسین علیه السلام ۱۰ نفر ۲- همسران حضرت علی علیه السلام ۸ نفر

۳- زنان همراه حسین بن علی (خدمتکاران) ۹ نفر ۴- موالی و بردگان ۱۸ نفر

۵- فرزندان عقیل بن ابی طالب ۱۲ نفر ۶- همسران امام حسن علیه السلام ۵

نفر

۷- فرزندان جعفر بن ابی طالب ۵ نفر ۸- فرزندان امام حسن علیه السلام

۱۶ نفر (۴ دختر و ۱۲ پسر)

۹- زنان منسوب به بنی هاشم ۱۴ نفر ۱۰- همراهان کوفی ۷ نفر

۱۱- همراهان بصری ۹ نفر ۱۲- برادران امام حسین علیه السلام ۹ نفر

مجموع ۱۲۴ نفر

از مجموع ۱۲۴ نفر، ۴۴ تن زن هستند و این نشان و گواه جایگاه زنان در مجموعه ی نهضت حسینی است. بعدها در حرکت امام و منازل راه، زنانی دیگر نیز می پیوندند. تنها چهره ای که در مکه به امام پیوست جناده بن کعب بن حرث انصاری است که با همسر و فرزندش عمرو همراه امام شد. اگر این سه

تن را بر اساس قول سماوی در ابصار العین (ص ۱۵۸) پیوستگان مکه بدانیم تعداد همراهان امام به ۱۲۷ نفر خواهد رسید.

اقدامات روانی هنگام حرکت: تشویق و ترغیب یاران به پاداش الهی، تبیین اهداف و برنامه ها، افشاگری جنایات نظام اموی، طرح حقانیت خویش، روشن کردن مسئولیت ها و وظایف در حرکت، ترسیم فرجام و سرانجام حرکت یعنی شهادت.

زمزمه های امام هنگام حرکت: امام لحظه ی حرکت بر در مسجد الحرام گذر کرد و خواند:

لادعوت السوم فی فلق الصبح مغیراً ولادعیت یزیدا

یوم اعطی مخافه الموت ضیما والمنا یا برصدنی ان احیدا

این دوبیت از یزید بن مفرغ حمیری است. ابن عباس می گوید: حسین علیه السلام را پیش از رفتن به عراق بر در کعبه ایستاده دیدم که دستش در دست جبرئیل بود و در این حال جبرئیل می گفت: برای بیعت با خدای عزوجل شتاب کنید.

میزان درنگ در مکه تا زمان حرکت: امام از سوم شعبان که به مکه رسید تا هشتم ذی الحجه (ماه های شعبان، رمضان، شوال، ذی القعدة و هشت روز ذی الحجه)، حدود ۱۲۵ روز در مکه بوده است.

کاروان در کربلا

ورود به کربلا: دوم محرم سال ۶۱ هجری معادل ۱۲ مهرماه ۵۹ شمسی.

نخستین حادثه: اسب امام از ورود به کربلا پرهیز کرد. (همانگونه که شتر پیامبر در حدیبیه چنین بود). نوشته اند امام هفت اسب عوض کرد و وارد کربلا شد.

تعداد همراهان لحظه ی ورود: ۵۰۰ سوار (یاران و اهل بیت) و صد نفر پیاده. امام همین که شنیدند این سرزمین کربلاست (با توجه به سرانجام قافله در کربلا که در راه شنیده بودند)، بسیاری بازگشتند.

اقدام امام در ورود به کربلا: پرسیدن نام زمین و همین که شنیدند نام آن کربلاست، فرمود اللهم انی اعوذ بک من الکرب والبلاء: سپس فرمود: فرود آیید، اینجا بارانند از وقتلگاه و مدفن ماست و جدم رسول خدا همین رابه من خبر داد.

ویژگی های جغرافیایی کربلا: خاک نسبتاً نرم، پستی و بلندی های و گودال های متعدد، خارزار، دارای تپه ماهورها و ارتفاعات اندک، نزدیک به رودخانه ی فرات و نخلستان های تنک.

موقعیت اقتصادی: فاقد ارزش ممتاز اقتصادی

موقعیت اجتماعی و سیاسی: زمینی ناشناخته و فاقد جمعیت که در چند کیلومتری آن بنی اسد زندگی می کردند.

موقعیت تاریخی: نزدیک به سرزمین مشهور نینوا (پنج فرسنگی کربلا)، قتلگاه پیامبرزادگان، سرزمین نینوا در شرق کربلاست، نینوا امروزه منطقه ی مشهور به طور یج است.

وضعیت آب و هوا: داغ، خشک، کم باران، آفتابی و صاف.

نام های دیگر کربلا: نینوا، عمورا، عقر، نواویس، غاضریه، ذو حسم، ماریه، طف، شاطی ء الفرات، حائر (حیر)

فاصله با آب: حدود ۶۰۰-۵۰۰ متر نزدیک یکی از شعبه های فرات به نام علقمه، زمین کربلا، معمولاً با حفر زمین و کندن چاه به راحتی به آب می رسید.

پوشش گیاهی: نخلستان، گیاهها خود رومانند حنظل، خارزار و علف های هرز.

تعداد یاران در میانه ی روز: آمار گوناگون نوشته اند: ۵۰ مرد (همراهان)، ۲۰ مرد مسلح، ۱۹ نفر اهل بیت، ۴۵ سواره و ۱۰۰ نفر پیاده.

گفت و گوی آغازین امام با یاران: اشاره به سرزمین کربلا، اشاره به شهادت، طرح فاجعه ی قتل پیامبرزادگان در کربلا و دستور برپایی خیمه ها (امام به ابوالفضل العباس دستور برپایی خیمه ها را داد).

اقدام شگفت: امام درهنگام ورود به کربلا، زمین و نواحی نینوا و غاصریه را به شصت هزار درهم خریداری کرد و مجدداً به آنان (فروشنندگان بنی اسد) صدقه داد به شرط آنکه زائران را به مزار ابا عبدالله راهنمایی کنند و از آنها سه روز پذیرایی کنند.

امام صادق علیه السلام چهارمیل در چهارمیل را خاک کربلامی داند و آن را بر فرزندان و دوستانش حلال و بردشمنان حرام می خواند.

وضعیت نظامی، تدارکاتی و روحی یاران امام: امکانات نظامی حدود ۴۵ اسب، تعدادی شتر، سلاح هایی شامل تیر، شمشیر، نیزه، سپر، کمان، خنجر، زره، کلاه خود و دیگر سلاح های متداول و از نظر روحی مومن، مجاهد، شجاع و استوار، بصیر در دین، قاری قرآن، ذاکر، محب اهل بیت و شیفته ی شهادت. وضعیت دشمن: با حدود هزار نفر نیروی مسلح به فرماندهی حربن یزیدریاحی و یک نفر مأمور ویژه ی عبیدالله بن زیاد به نام مالک بن نسریدی که مراقبت و نظارت بر رفتار حربن یزید را به عهده داشت. این شخص در بدو ورود به کربلا از طرف کوفه آمده بود.

شب عاشورا:

موقعیت و اوضاع: آرامش نسبی قبل از جنگ

اوضاع دولشگر: در حال آماده باش

وضعیت سپاه عمر سعد: آماده سازی نیروها برای جنگ، آخرین نشست فرماندهان و تصمیم گیری نهایی (ابتداء تیر باران سپس حمله)

وضعیت سپاه ابا عبدالله: آخرین آزمون و پالایش، زمینه سازی روحی و جسمانی برای نبرد صبح، گفت و گوی یاران باهم برای آمادگی بیشتر و نبرد عاشقانه تر.

نخستین اقدام اباعبدالله پس از امان خواستن: امام پس از امان، یاران را جمع کرد و فرمود: دور خیمه ها گودالی همچون خندق حفر کنید و در آن آتش روشن کنید تا از یک طرف درگیر باشیم و به حرم پیامبر دست درازی نکنند. یاران خارها و هیزم های بیابان را جمع کردند و در خندق انداختند و آتش زدند. نقل دیگر آن است که امام فرمود: خیمه ها را به هم نزدیک و طناب ها را درهم کنید تا امکان نفوذ دشمن نباشد و تنها از یک سو بجهت در نتیجه از سمت راست، چپ و پشت سر خیمه ها محافظت می شوند و دشمن جز از روبه روی امکان درگیری نداشت.

گزارش امام سجاد علیه السلام آخرین تصفیه ها و اتمام حجت ها:

امام در آغاز شب یاران خویش را جمع کرد. امام سجاد علیه السلام می فرماید: در آن هنگام من سخت بیمار بودم. خودم را به زحمت نزدیک کردم تا سخنان پدر را بشنوم. امام فرمود: خدا را به بهترین ثنا و سپاس می ستایم و در سختی و آرامش شکر می گویم. خدایا، ستایشگر توام به پاس اینکه ما را به پیامبری (محمد صل الله علیه و آله و سلم) عزت و کرامت بخشیدی، قرآنمان آموختی و دین شناس و فقیه مان ساختی و گوش و چشم و دل آفریدی و ما را از مشرکان قرار ندادی. باری، من یاران و همراهان وفادار و بهتر از یاران خودم و خانواده ای نیکو کار تو را در بسته تراز خانواده ی خودم سراغ ندارم. خدایتان پاداش نیک عنایت کند. آگاه باشید که فرجام فردایتان را با این دشمنان به خوبی می دانم. شمار آزاد می گذارم، همه با فراغ خاطر بروید که من بیعت خویش را از شما برداشتم. شب همه جا را پوشانده است، این تاریکی را موکب راهوار خویش سازید و بروید. (تاریکی پرده شومی است که هیچ کس کس دیگر را نمی بیند تا شرمسار رفتن باشد).

در برخی کتب این نکته نیز هست که امام فرمود هر کس دست دیگری یا یکی از مردان مارا بگیرد و در این تاریکی شب بروید و مرا با این گروه (دشمن) تنها بگذارید که آنان جز مرا اراده نکرده اند و اگر بر من دست بیابند از پی شما نخواهند آمد.

عکس العمل یاران و خویشانان:

پس از خطبه ی امام و دعوت به بازگشت، خون غیرت در رگان یاران جوشید. پس یک به یک برخاستند و اعلام وفاداری کردند. نخستین کسی که سخن گفت ابو الفضل العباس بود. وی برخاست و گفت: به خدا قسم هرگز چنین نخواهیم کرد. خدا آن روز را نیاورد که بعد از تو زنده باشیم. دست از تو بر نمی داریم و ایثار جان در راه تو را سعادت و کامیابی می دانیم. پس از وی دیگران برخاستند و سخن گفتند.

پسران عبدالله بن جعفر نیز گفتند: برای چه چنین کنیم؟ (تو را رها کنیم؟) برای اینکه زنده بمانیم؟ خداوند هرگز آن روز را نیاورد. (ما زنده باشیم و تونباشی.)

امام به خانواده ی مسلم (برادران و فرزندان) فرمود: شما بروید و من اجازه رفتن می دهم. آنان یک صدا گفتند: سبحان الله! مردم درباره ی ما چه خواهند گفت؟ بگویند ما بزرگ و سید و عمو زاده مان را که بهترین عموها بود در کام دشمن واگذار داریم، نه تیری انداختیم و نه نیزه ای به کار بردیم، نه شمشیر زدیم و نه می دانیم بر سر او چه آمد؟ نه. هرگز چنین نخواهیم کرد. بلکه جان، مال، زن و فرزندانمان را در راهت فدا می سازیم و همراه تو می جنگیم تا همان شود که برای تو پیش می آید. (به شهادت برسیم) خداوند زندگی پس از تو را زشت گرداند.

پس از سخنان خویشان و اباعبدالله نوبت به اصحاب رسید. مسلم بن عوسجه، یار پاکباز اباعبدالله برخاست و گفت: ما تو را رها کنیم؟ هرگز! در پیشگاه الهی چه عذری خواهیم داشت با سنگ خواهیم جنگید. به خدا سوگند هرگز دست از تو بر نمی داریم تا در پیشگاه الهی معلوم شود که حرمت پیامبر را درباره

ی توپاس داشتیم. سوگند به پروردگار اگر بدانم کشته می شوم، سپس زنده می شوم، آنگاه مرا می سوزانند و دوباره زنده می کنند و خاکستر سوخته ام را به باد می دهند و ۷۰ بار این کار را می کنند دست از تو بر نمی دارم. تا مرگ را در یاری تو ادراک کنم. چگونه چنین نکنم با اینکه می دانم مرگ یکبار بیش نیست و پس از آن ارزش و کرامتی پایان ناپذیر خواهم یافت.

پس از سخنان مسلم بن عوسجه، زهیر بن قین برخاست و گفت: به خدا سوگند دوست دارم کشته شوم، دیگر بار زنده شوم، دوباره کشته شوم و تا هزار بار این مرگ اتفاق افتد اما بدانم با مرگ خود از کشته شدن تو و جوانان خاندانت جلوگیری می کنم.

دیگریاران نیز برخاستند و سخنانی، همچون یاران پیشین طرح کردند. نوشته اند: سعید بن عبدالله حنفی نیز گفت: به خدا قسم تو را رهانمی کنیم تا خداوند ببیند در غیریت رسول خدا کوتاه نکردیم. به خدا سوگند اگر بدانم کشته می شوم سپس زنده می شوم، سپس مرا می سوزانند و دیگر بار زنده می شوم و تا نود بار این کار ادامه یابد رهایت نمی کنم تا دریای توشه ی شوم.

امام در پاسخ یاران فرمود: پس بدانید همگان کشته خواهید و هیچ کس باقی نخواهد ماند. خداوند به همه ی شما پاداش خیر عنایت فرماید: پس از این گفت و گوها امام به خیمه ی خویش بازگشت.

جنگ روانی در شب عاشورا:

نیروهای گشتی و جاسوسی و گاه سواران کنجکاو سپاه عمر سعد، شب هنگام به خیمه ها نزدیک می شدند تا وضعیت اباعبدالله، خانواده و یارانش را بررسی کنند.

یکی از نیروهای دشمن که به خیمه امام نزدیک شد شخصی به نام ابو حرب السبیعی عبدالله بن شهر (سمیر) بود. امام قرآن می خواند و به آیات ۱۷۸-۱۷۹ آل عمران رسیده بود؛ ابو حرب با شنیدن این آیات فریاد زد: «قسم به خدای کعبه که ما پاکان ایم و شما نیستید.» ضحاک بن عبدالله مشرقی که روایتگر این صحنه است می گوید: من او را شناختم و به بریر بن خضیر همدانی گفتم می دانی این

کیست؟ بریر گفت: نه! گفتم: نامش ابو حرب بن عبدالله بن شهر است. مردی دلیر، هتاک، اهل تمسخر و بذله گویی است. بارها سعید بن قیس اورابه سبب بدکاری ها و جنایاتش زندانی کرده است.

بریر بن خضیر خود را به او نزدیک کرد و گفت: ای فاسق زشت کار، خداوند تو را جزء پاکان قلمداد می کند؟! ابو حرب گفت: تو کیستی؟ بریر خود را معرفی کرد. ابو حرب گفت: افسوس (برایت متاسفم)، به خدا هلاک شدی. به خدا هلاک شدی.

بریر گفت: می خواهی از گناهان و گذشته های تاریک به خدا بازگردی و توبه کنی که به خدا ما پاکانیم و شما ناپاکان. ابو حرب گفت: آنچه گفتمی قبول دارم و بدان شهادت می دهم. بریر گفت: وای بر تو، می دانی و سودمند و موثر نیست.

پاسخ داد: فدایت شوم. اگر بپذیرم چه کسی هم نشین یزید بن عذر عتری می شود که اینک همراه من است.

بریر گفت: خدای رای تو را تباه و زشت گرداند. سخت بی خرد و نادانی. برخی این گفت و گورابین بریر بن خضیر همدانی و شمر بن ذی الجوشن که اونیز به خیمه ها نزدیک شده بود، گزارش کرده اند.

نوشته اند که شمر گفت: ما پاکان ایم و به خدای کعبه شما ناپاک! بریر گفت: ای فاسق فاجر! ای دشمن خدا، همچون تویی از پاکان؟ هرگز! تو جز حیوانی بی شعور چیز دیگر نیستی. تو را به آتش جهنم و عذاب دردناک بشارت باد.

شمر گفت: ای گوینده، (ای بریر) خداوند به زودی تو و رهبرت (حسین) را خواهد کشت. بریر گفت: ای دشمن خدا، با مرگ تهدیدمان می کنی؟ به خدا سوگند ما شیفتگان ایم و مرگ را برزیستن با شما ترجیح می دهیم. به خدا سوگند هرگز قومی که خون اهل بیت و فرزندان پیامبر را بریزند به شفاعت وی نمی رسد.

امام فرستاد تا بریر آنها را رها کند. آنگاه به بریر فرمود: ای بریر، دریغ باشد که با اینان سخن بگویی و خود را به زحمت اندازی. نصایح تو، همچون نصایح آن دو مرد مومن است که آل فرعون را نصیحت کردند و تاثیر نبخشید و تونیز شرط موعظه را به جا آوردی. مابه قضای الهی راضی هستیم.

در برخی مقاتل آمدن شمر همراه با یک گروه ذکر شده است. برخی نیز نوشته اند که غرره بن قیس احمسی، رهبری گروهی را که به خیمه ها نزدیک شده بودند عهده دار بود.

خواندن این آیات در آن شب خود جای تامل و درنگ دارد. صبوری و ثبات قدم یاران در زیر باران تمسخر، توهین در آن شب، گواه پروردگی ایمان، صدق و اخلاص آنان است. یاران امام مصداق قولای خافون لومه لائم بودند و معنای مجسم این سخن امیرالمومنین علی علیه السلام که: «المومن کالجبال الراسخ لا یرکع العواصف؛ مومن همچون کوه استوار و باشکوه است و هرگز تندی بادها و اوراسست و لرزان نمی کند.»

پیوستگان در شب عاشورا:

برخی از شرکت کنندگان در سپاه عمر سعد چشم امید به مصالحه و نرمش عمر سعد یا بازگشت اباعبدالله پیوسته بودند. وقتی فهمیدند که فرجامی جز جنگ نیست و عمر سعد هیچ یک از پیشنهاد های اباعبدالله را نمی پذیرد. (پیشنهادهای سه گانه بازگشت به مدینه، رفتن به سرزمین دیگر و تسلیم که البته در چند و چون آنها نیاز به تحلیل و تبیین بود و هست)، تصمیم به جدایی از لشکر عبیدالله و پیوستن به اباعبدالله گرفتند.

تعداد آنها را در مقاتل و منابع گوناگون سی نفر ذکر کرده اند. در برخی مقاتل نیز سی و دو تن و گاه بیست تن نگاشته اند. پیوستن حربن یزید ریاحی، برادرش مصعب و پسرش علی باید در این موقعیت باشد.

ابصار العین (ص ۸)، پیوستن سی نفر را در طول شب تا صبح عاشورا دانسته است. این سی تن سواره به اردوگاه امام پیوستند و جنگیدن دوبه شهادت رسیدند.

مزاح و سرخوشی یاران

در آن شب شگفت، پاک بازان و عاشقان، سرازپانمی شناختند. آنان منتظر طلوع سپیده و فرارسیدن روز شهادت و ایثار بودند. در هنگام ورود به خیمه ی نظافت، بریر بن خضیر همدانی با عبدالرحمن بن عبدربه انصاری مزاح کرد و ساعتی بعد حبیب بن مظاهر اسدی-پیرپارسای کربلا-بابر بن خضیر! بریر به حبیب گفت: برادر جان هنگام شوخی و طنازی نیست، به خدا سوگند چشم به راه شمشیرهای این بیدادگران ام تادست در گردن حورالعین افکنم.

این نشاط و شادی و سرزندگی، گواه جان های پاک و دل های رها از هراس و ترس است. قلب هایی که آشنای محبوب و لبریز طمانینه اند، هیچ گاه پروای خطر و میدان و مرگشان نیست و اصحاب اباعبدالله چنین بودند.

پاک و خوش بو در انتظار وصال:

در انتهای شب-نزدیک به صبح-امام فرمان داد خیمه ای برپا کند و در ظرفی بزرگ مشک فراوان بریزند. (امام در شب به بریر بن خضیر فرمان داد مشک تهیه کنند.)
گویا مواد خوش بودر کربلا تمام شده بود و بریر در همان شب از بنی اسد یا جست و جوی دربین یاران مقداری تهیه کرد.

پس از فراهم شدن مشک، نوره نیز آماده کردند و افراد به ترتیب درون خیمه رفته و پس از نظافت و خوش بوشدن بیرون می آمدند. هنگامی که امام به این خیمه رفته بود، عبدالرحمن بن عبدربه انصاری در صف بود و در کنار او بریر بن خضیر همدانی. در این موقعیت، بریر شروع به شوخی و مطایبه کرد. عبدالرحمن پرسید: چه وقت خنده و شوخی است؟ بریر گفت: همه ی خویشاوندان من می دانند که من هیچ گاه نه در جوانی و نه در پیری اهل مزاح و شوخی نبوده ام اما اکنون زمان شوخی است. به پاس سرنوشتی که پیش روست. به خدا سوگند فاصله ی ما و شهادت و دست در گردن حوریان افکندن، به

فاصله ی شمشیرزدنی بیش نیست. گزارش این صحنه (واقعه) را غلام عبدالرحمن بن عبدیه انصاری داده است که روز عاشورا از صحنه گریخت.

پرسشی اینجا مطرح است که بآن بودن آب در کربلا و در صورت بودن و ضرورت استفاده برای رفع عطش، چگونه می توان این امر را پذیرفت. (نظافت یاران)

در پاسخ این پرسش چند احتمال هست:

۱. آبی که استفاده شده است آب غیر شرب بوده است. (نوعی باتلاق در پشت خیمه بوده است.)

۲. از آب استفاده نشده است و این نظافت با ترکیباتی خاص مانند نوره و نمک و... برای زدودن موهای زائد بوده است.

۳. شیوه ی غسل و شست و شو با آب اندک بوده است.

در این زمینه قزوینی در الامام الحسین و اصحابه نظرگاه های گوناگون را طرح کرده است.

ابا عبدالله و آمادگی برای نبرد:

امام پس از نظافت یاران بر مرکب خویش نشست و قرآنی طلب کرد. آنگاه قرآن را پیش روی خویش نهاد.

قرآن، قانون کربلاست. شب تا صبح عاشورا، تلاوت قرآن و زمزمه ی دلنشین امام و یاران در کربلا پیچیده بود و اکنون در انتهای شب و پس از نظافت و پاکیزگی و آمادگی برای رزم شورانگیز عاشورا، باز قرآن است که پیش روی حسین و یاران گشوده شود تا معلوم شود که این جنگ برای «قرآن» است و محور و انگیزه و مقصد در قرآن خلاصه می شود.

دیدار بهشت پیش از وصال بهشت:

حضرت زینب (سلام الله علیها)، اعلام فداکاری بنی هاشم و دیگر یاران را از خیمه هایشان شنیده بود و به ابا عبدالله گزارش داده بود. پس از گزارش جمع شدن بنی هاشم در خیمه ی ابوالفضل العباس و اعلام

آمادگی همگان برای شهادت و پاکبازی و جمع آمدن اصحاب و یاران درخیمه ی حبیب بن مظاهراسدی و هم پیمانی عاشقانه برای دفاع از حریم حسینی، امام یاران را جمع کرد. همگان با شور و عشق و اخلاص، بی تابی خود را برای شهادت و دفاع از آن آرمان های اباعبدالله و خیام و حرم پیامبر بازگو کردند.

امام در این لحظه به یاران فرمود: سربلند کنید و جایگاه خود را در بهشت ببینید. پرده ها کنار رفت و همگان جای خود را در بهشت و حور و قصر را یافتند. زیبارویان بهشتی، یاران را صدامی زدند که شتاب کنید، شتاب کنید. مانیز مشقتا دیدار شما هستیم. با مشاهدۀ ی بهشت همگان برخاستند. شمشیر کشیدند و به اباعبدالله گفتند: هم اکنون ما را اجازه نبرد بده تا با این قوم بجنگیم تا خدا آنچه را که اراده کرده است. انجام دهد. امام فرمود: آرام باشید خداوند شمار را رحمت کند و پاداش خیر عنایت فرماید.

شهیدان نخستین حمله (تیرباران صبح)

مجموعه ی شهدای تیرباران: ۵۱ تن (این شهدا اهل کوفه، مدینه و بصره بودند).

تعداد شهدای کوفی: ۳۶ تن

شهیدان اهل مدینه: ۷ تن

شهدای اهل بصره: ۸ تن

فاصله ی سنی شهدا: میان ۲۰ تا ۷۰ ساله

شهدای حدود ۷۰ سال: ۹ تن

شهدای حدود ۴۰ ساله یا کمتر از چهل: ۱۴ تن

شهدای ۴۰ تا ۲۰ سال: ۲۰ تن

تعداد شهیدانی که در میانه ی راه کربلا و یاروهای دوم تادهم به امام پیوستند: ۴۲ تن

محل اصابت تیرها به بدن شهدا: به علت حمله ی کوردشمن تیرهابه جای جای بدن شهیدان اصابت کرده بود.

زمان شهادت شهیدان: تقدم و تاخر شهادت شهیدان به علت حمله ی ناگهانی و پرتاب هم زمان ده هزار تیر، معلوم و قابل تعیین نیست.

به نظر می رسد مدت زمان تیراندازی چندان ادامه نیافت؛ زیرا امام به یاران گفت: این تیرها سفیران دشمن به سوی شما هستند و باین سخن اذن برای مبارزه و مقابله صادر شد و بانزدیک شدن یاران امام به سپاه دشمن، جریان جنگ تغییر یافت.

باشهادت شهیدان حمله اولی یا تیرباران صبح، شکافی محسوس در سپاه اباعبدالله الحسین (علیه السلام) بوجود آمد. حمید بن مسلم، گزارشگر سپاه عمر سعد، به این نکته اشاره کرده است.

چندتن از شهدا، شخصیت هایی بزرگ و شناخته شده و از اصحاب پیامبر بودند. از هیچ یک از این شهدا رجزی ذکر نشده است که به سبب حمله ی ناگهانی و شهادت جمعی، مجالی برای رجز خوانی یا ذکر رجزها باقی نمانده است.

آنچه در پی می آید نام های مشهور شهدای حمله ی تیرباران است و تقدم و تاخر نام ها دال بر تقدم و تاخر شهادت نیست. تنها براساس برخی قرائن این پیش وپسی نام ها سامان یافته است.

نام برخی از شهدا در زیارت ناحیه و زیارت رحبیه ذکر شده است که در معرفی آنان مشخص شده است.

۱- عبدالرحمن بن عبد رب انصاری خزرجی ۲- کنانه بن عتیق تغلبی ۳- جبله بن علی (عبدالله) شیبانی ۴- عمران بن کعب اشجعی ۵- منیع بن زیاد (رقاد) ۶- عقبه بن صلت جهنی ۷- مجمع بن زیاد جهنی ۸- عباد بن مهاجر ۹- سلیمان بن سلیمان ازدی ۱۰- قاسم بن حبیب ازدی ۱۱- عمرو (عمر) بن ضبیعه تیمی ۱۲- حبشه (حبشی) بن قیس ۱۳- زید (بدر، یزید، منذر) بن معقل ۱۴- عمار (عامر) بن حسان طایی ۱۵- قعب بن عمرو تمری ۱۶- حباب بن عمرو (عامر) ۱۷- سالم بن عمرو عبدالله ۱۸- زهیر بن بشیر خثعمی (زهیر بن بشیر) ۱۹- نعیم بن عجلان انصاری خزرجی ۲۰- سیف

بن مالک (عبدالله) عبری بصری ۲۱- خزیمه کوفی ۲۲- امیه بن سعد طائی (ابوصمصام) ۲۳- قارب بن عبدالله بن (اریعد) دثلی یا دیلمی ۲۴- ادهم بن امیه عبدی بصری ۲۵- مسلم بن کثیر اعرج ۲۶- بکر بن حی بن تیم الله ۲۷- سالم مولی (غلام) عامر بن مسلم عبدی ۲۸- نصر بن ابی نضر ۲۹- نعمان بن عمرو ازدی راسبی ۳۰- مسعود بن حجاج تیمی ۳۱- عبدالرحمن بن مسعود بن حجاج تیمی ۳۲- جندب بن حجر کنندی (جندب بن مجیر کنندی) خولانی ۳۳- حجر بن جندب بن حجر ۳۴- زهیر بن سلیم ازدی ۳۵- حرث (حارث) بن امروالقیس کنندی ۳۶- عامر بن مسلم عبدی ۳۷- زاهر بن عمرو کنندی ۳۸- عمار بن ابی سلامه دالانی ۳۹- قاسط بن زهیر تغلبی ۴۰- مقسط بن زهیر بن حارث ۴۱- کردوس بن زهیر تغلبی ۴۲- شیب بن جراد ۴۳- عمر بن جندب حضرمی ۴۴- عبیدالله بن یزید بن شیب عبری بصری ۴۵- حلاس بن عمرو ازدی راسبی ۴۶- عبدالله بن یزید بن شیب عبری بصری ۴۷- حارث بن بنهان (حرث بن بنهان) ۴۸- عبدالله بن بشر (بشر) بن ربیعہ خثعمی ۴۹- سعد بن حرث (حارث) خزاعی ۵۰- حجاج بن بدر تمیمی سعدی ۵۱- جابر بن حجاج تیمی

تصویر کلی از شهیدان نبرد تن به تن

- نخستین شهید: عبدالله بن عمیر کلبی یا وهب (برخی حربن یزید ریاحی را نوشته اند). نحوه ی نبرد: به میدان رفتن انفرادی، مبارزه طلبیدن، رجز خواندن، جنگیدن و به شهادت رسیدن (گاهی نبرد دسته جمعی اتفاق می افتد. گاه برخی پس از زخمی شدن اسیر می شدند و به شهادت می رسیدند).

مجموعه ی شهدای این مرحله ۴۷۰ تن

- کوچکترین مبارز شهید عمرو بن جناده انصاری یازده یا دوازده ساله (پدرش در تیرباران صبح به شهادت رسید).

- پیرترین شهید: حبیب بن مظاهر اسدی، حدود هشتاد ساله

تنها زن شهید: هانیة همسر عبدالله بن عمیر کلبی

-طول زمان شهادت شهیدان نبرد تن به تن: حدود ۲/۵ الی ۳ ساعت

-آخرین شهید نبرد تن به تن: حضرت حبیب بن مظاهر که قبل از نماز ظهر به شهادت رسید قره بن ابی قره و انس بن حارث را آخرین شهیدان (پس از شهادت حبیب) دانسته اند.

-رجزها: حدود ۱۰۲ بیت رجز از شهیدان این مرحله باقی مانده است که معدل رجز خوانی حدود ۲ بیت است.

-بزرگترین شهید (از نظر گاه شان و منزلت): فرمانده جناح چپ سپاه اباعبدالله علیه السلام، حبیب بن مظاهر اسدی است. نبرد تن به تن یاران، تصویری از حماسه، شجاعت، ایمان، اخلاص و فداکاری یاران امام است.

نحوه ی رفتار امام پس از شهادت یاران: امام به میدان می شتافت و سر آنها را به دامن می گرفت و سپاسگزاری می کرد. امام مجال یافت با تعدادی از شهیدان این گونه عمل کند.

اسامی شهیدان نبرد تن به تن:

۱-عبدالله بن عمیر کلبی ۲-هانیة همسر عبدالله بن عمیر کلبی ۳-حربن یزیدریاحی ۴-مصعب بن یزیدریاحی ۵-قره یا عروه یا عزه (غلام حر) ۶-علی بن حرریاحی ۷-جوین بن مالک بن قیس ۸-منجج (منهج) بن سهم ۹-یزید بن حصین همدانی المشرفی ۱۰-یزید بن مغفل بن جعفر ۱۱-سعد بن حنظله تمیمی ۱۲-خالد بن عمرو اسدی صیداوی ۱۳-یزید بن ثبیط عبدی مصری ۱۴-شبيب بن عبدالله نهشلی (ابو عمرو نهشلی) ۱۵-حنظله بن اسعد شبامی ۱۶-سیف بن حرث بن سریع ۱۷-مالک بن عبدالله بن سریع جابری ۱۸-یزید بن مهاجر (مهاصر) بهدلی (ابو شعثاء) ۱۹-عمیر (عمرو) بن عبدالله مذحجی ۲۰-جابر بن عروه بن الغفاری ۲۱-جون بن حوی ۲۲-عمرو (عمر) بن مطاع جعفی (عمیر بن مطاع جعفی) ۲۳-انیس بن معقل اصبحی ۲۴-نافع بن هلال جملی مرادی ۲۵-عمر (عمرو) بن جناده بن کعب بن

حارث ۲۶- عبدالله بن عروه (عزره) غفاری ۲۷- عبدالرحمن بن عروه (عزره) غفاری ۲۸- مجمع بن عبدالله عائذی ۲۹- عائذ بن مجمع بن عبدالله ۳۰- جناده بن حرث (حارث) المذحجی المرادی السلمانی ۳۱- سعید (سعدیا) بن عبدالله (سعد بن عبدالله) ۳۲- عمرو (عمر) بن خالد اسدی صیداوی ۳۳- جناده بن کعب بن حارث انصاری ۳۴- اسلم (سلیمان) بن عمرو ترکی ۳۵- عبدالرحمن ارحبی ۳۶- شوذب بن عبدالله همدانی ۳۷- عباس بن ابی شبيب شاكري ۳۸- ابو عمره، زياد بن عريب ۳۹- مسلم بن عوسجه اسدی (ابو حجل) ۴۰- خلف (عبدالله) بن مسلم بن عوسجه ۴۱- عبدالرحمن بن عبدالله یزنی حمیری (ارحبی) ۴۲- بریر بن خضیر همدانی ۴۳- یحیی بن سلیم مازنی تمیمی ۴۴- حبیب بن مظاہر اسدی ۴۵- قره بن ابی قره غفاری (عثمان بن فروه) یا عثمان بن عروه ۴۶- انس بن حارث کاهلی

شهیدان نماز و پس از نماز ظهر عاشورا

اندک ستاره های منظومه عاشورا، زیر آفتاب سوزان نیمروز، صبورانه و عاشقانه می جنگیدند. عطش و عرق و غبار و چکاچک شمشیرها بود و میدانی که در گوشه گوشه ی آن تن گلگون شهیدان افتاده بود. آخرین شهیدان پیش از نماز: حبیب بن مظاہر، قره بن ابی قره و انس بن حارث جنگیده و به شهادت رسیدند.

پس از شهادت حبیب- فرمانده جناح چپ سپاه اباعبدالله- اندک یاران باقی مانده همراه بابنی هاشم برای برپایی نماز ظهر عاشورا آماده شدند.

- شهیدان پس از نماز: پس از نماز دوتن ورزمنندگان باقی مانده که جنگیدند و به شهادت رسیدند، نه تن است. از نه تن شهید پس از نماز نیمه از آنان کسانی هستند که در کربلا به امام پیوستند.

جوان ترین این شهیدان ضرغامه بن مالک و پیرترین آنان ابوثمامه و زهیر بن قین با حدود ۶۰ سال است.

- شاخص ترین شهید پس از نماز: زهیر بن القین فرمانده جناح راست اباعبدالله.

-چهره ی شاخص شهید:ابو ثمامه مائدی موذن کربلا.

نام پنج تن از شهدای پس از نماز در زیارت ناحیه ی مقدسه و یک تن در زیارت رحبیه آمده است.

همه ی شهیدان پس از نماز، اهل کوفه بودند.

-رجزها: نه تن شهید پس از نماز، چهارده ونیم بیت رجز داشته اند. کوتاهی رجزها، گواه فرصت کوتاه

میدان ورود به میدان وشهادت است.

-طولانی ترین رجز: رجز ابو ثمامه صائری، ۴ بیت

-کوتاهترین رجز: رجز بشیر بن عمرو ضرغامه بن مالک، هر کدام ۱ بیت

با شهادت این شهیدان، جز بنی هاشم، یآوری برای امام باقی نماند. اینک نوبت به خاندان نبوی وآل

علوی رسیده بود تا بایثار و نثار خون حماسه های عظیم پایانی کربلا را رقم بزنند.

در این نوشتار شهدای نماز و پس از نماز با هم معرفی شده اند. ۱- سعید بن عبدالله حنفی ۲- عمرو بن قرظه

بن کعب انصاری ۳- ابو ثمامه عمرو (عمر) بن عبدالله صائدی ۴- زهیر بن القین بجلی ۵- سلمان بن مضارب

بن قیس بجلی ۶- بشیر بن عمرو (بشر بن عمرو) ۷- ضرغامه بن مالک تغلبی ۸- حجاج بن مسروق

جعفی ۹- ابوالحتوف بن حرث (حارث) انصاری عجلانی ۱۰- سعد بن حرث انصاری عجلانی ۱۱- رافع بن

عبدالله ازدی

شهادت بنی هاشم

با شهادت یاران واصحاب اباعبدالله الحسین (علیه السلام)، تنها بنی هاشم باقی ماندند. پاک بازانی

مخلص ومومن که در رگ هایشان خون هاشمی ونبوی وعلوی جریان داشت؛ مردانی که مصداق

بارز و عالی این توصیف اباعبدالله بودند که: «انی لاعلم اصحاباً اوفی ولاخیراً من اصحابی؛ من یارانی

وفادار تر و خوب تر از یارانم نمی شناسم.»

اینک بنی هاشم درواپسین ساعات عاشورا باید جان فشانی کنند. در اینک که تعداد بنی هاشم در کربلا چندان بوده است، در منابع و مقاتل اختلاف نظر هستند. اگر بازماندگان بنی هاشم که به هر دلیل به شهادت نرسیدند مانند حسن بن حسن علیه السلام (حسن مثنی)، امام سجاد علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام در شمار نیایند، آمار موجود شهادت در کتب معتبر چنین است:

- زیارت ناحیه ی مقدسه ۱۸ نفر (با احتساب خود اباعبدالله الحسین علیه السلام)
- تاریخ طبری ۱۹ نفر (با احتساب مسلم بن عقیل و ابوبکر بن علی علیه السلام)
- مروج الذهب ۱۳ نفر (کمترین تعداد در این کتاب آمده است).
- مقاتل الطالبین ۲۲ نفر (با احتساب کسانی که درباره ی بودنشان در کربلا اختلاف نظر وجود دارد).
- اعیان الشیعه ۳۰ نفر (بالاترین رقم ذکر شده بدون استناد)
- ارشاد شیخ مفید ۱۷ نفر (با احتساب خود امام حسین علیه السلام)
- مقتل الحسین خوارزمی ۱۷ نفر (بالاترین گزارش را ۲۷۱ نفر می داند).
- انصار الحسین ۱۷ نفر (با تردید نام ۹ تن دیگر را می افزاید).

در مقاتل و منابع متأخر نیز شهدای بنی هاشم هجده تن معرفی شده اند. در زیارت ناحیه، آمار شهدای بنی هاشم به شرح زیر است:

- امام حسین علیه السلام و دو فرزندش علی اکبر و علی اصغر ۳ نفر
- فرزندان امیر المومنین علی علیه السلام ۵ نفر
- فرزندان امام مجتبی علیه السلام ۳ نفر
- فرزندان حضرت عقیل ۵ نفر

جمع ۱۸ نفر

نخستین شهید بنی هاشم در اکثر مقاتل و در زیارت ناحیه، علی اکبر علیه السلام معرفی شده است: السلام عليك يا اول قتيل من نسل خير سليل من سلاله ابراهيم الخليل؛ سلام بر توای اولین کشته از نسل بهترین خاندان از خاندان و نسل ابراهیم خلیل.

آخرین شهید بنی هاشم در کربلا خود اباعبدالله الحسین علیه السلام است. اگر دو فرزند مسلم - گریخته از کربلا و اسیر شده به دست عبدالله را محاسبه کنیم. آخرین شهیدان نهضت حسینی از بنی هاشم محمد بن مسلم بن عقیل و ابراهیم بن مسلم بن عقیل خواهند بود.

در روز عاشورا دو تن از بنی هاشم جنگیدن و زخمی شدند. نخستین رزمنده امام سجاد علیه السلام بود که در کتاب تسمیه من قتل من اهل بیه و شیعه از فضیل بن زبیر اسدی کوفی - از یاران امام محمد باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام آمده است: کان علی بن الحسین علیلاً وارثاً یومئذ وقد حضر بعض القتال فدفع الله عنه واخذم النساء.

علی بن الحسین علیه السلام در حالت بیماری در بخشی از جنگ شرکت کرد و مجروح شد و تن زخم خورده اش را از رزمگاه بیرون آوردند. خداوند او را از دشمن حفظ کرد و پس از کربلا، همراه زنان به اسیری رفت.

مفهوم ارتش زخمی شدن در صحنه نبرد است.

دومین رزمنده بنی هاشم در عاشورا، حسن یا حسن مثنی است که در نبردی سخت دستانش ضربه دیدند و بی هوش بر زمین افتاد و دشمن به تصور کشته شدن، او را رها کرد و روز بعد که برای جدا کردن سرهای شهدا اقدام شد، یکی از افسران سپاه عمر سعد که نسبت خویشاوندی با مادر حسن داشت مانع کشتن او شد.

حسن، بعدها با فاطمه، دختر اباعبدالله الحسین علیه السلام - که او نیز در کربلا حضور داشت - ازدواج کرد. حسن مثنی در پنجاه سالگی همچون پدر بزرگوارش مسموم شد و به شهادت رسید و در بقیع دفن شد.

آمارهایی از شهدای بنی هاشم در کربلا

۱- کوچک ترین شهیدان: ۱- عبدالله بن الحسین علیه السلام ۱ تا ۳ روزه

۲- عبدالله رضیع ۶ ماه تا ۱ ساله

۳- محمد بن ابی سعید بن عقیل ۷ ساله

بزرگترین شهیدان (سن) ۱- اباعبدالله الحسین علیه السلام ۵۷ ساله

۲- عوبن جعفر طیار ۵۷ ساله

نوجوانان شهید عاشورا ۱- عبدالله بن حسن ۱۱ ساله ۲- قاسم بن حسن ۱۵-۱۴ ساله

۳- ابوبکر (احمد بن حسن) ۱۶-۱۵ ساله ۴- عبدالله بن مسلم بن عقیل ۱۴ ساله

۵- محمد بن مسلم بن عقیل ۱۳ ساله ۶- محمد بن عبدالله بن جعفر ۱۸ ساله

جوانان شهید عاشورا

۱- علی بن الحسین (علی اکبر) ۲۷-۲۶ ساله ۲- جعفر بن علی علیه السلام ۲۱ ساله

۳- عثمان بن علی علیه السلام ۲۳ ساله ۴- عبدالله بن علی علیه السلام ۲۵ ساله

۵- جعفر بن عقیل ۲۵ ساله ۶- عبدالرحمن بن عقیل ۳۵ ساله

۷- محمد بن علی علیه السلام (محمد اصغر) برادر محمد حنفیه ۳۶ ساله

۸- عون بن عبدالله بن جعفر ۲۰ ساله ۹- ابوالفضل العباس علیه السلام ۳۴ ساله

میانگین سن شهدای بنی هاشم ۲۴ سال

مجموع ابیات رجزهای بنی هاشم در عاشورا ۸۸ بیت

میانگین رجزخوانی بنی هاشم ۵ بیت (بدون احتساب رجزهای اباعبدالله علیه السلام)

نام شهدای بنی هاشم در زیارت رحبیه ۹ تن

مجموع شهدای بنی هاشم در کربلا ۲۴ تن

غم بارترین شهادت در عاشورا شهادت علی اصغر است.

سنگین ترین و شکننده ترین رجز شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام شهادت فرمانده سپاه امام، حضرت ابوالفضل العباس است.

ترتیب شهادت بنی هاشم در کربلا به طور نسبی و با قرائنی که از مقاتل و کتب معتبر می آید و بر اساس مطالعات و تحقیقات نگارنده به شرح زیر است:

۱- علی بن الحسین (علی اکبر) ۲- عبدالله بن مسلم عقیل (برخی اوران نخستین شهید بنی هاشم در عاشورا دانسته اند) ۳- عون بن جعفر طیار ۴- جعفر بن عقیل بن ابی طالب ۵- عبدالرحمن بن عقیل بن ابی طالب ۶- موسی بن عقیل بن ابی طالب ۷- محمد بن مسلم بن عقیل ۸- محمد بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب ۹- محمد بن علی بن ابی طالب ۱۰- ابوبکر بن حسن بن علی بن ابی طالب (اورا احمد، عبدالله اکبر و عبدالله نیز نامیده اند) ۱۱- عمر بن علی بن ابی طالب ۱۲- عبدالله بن علی بن طالب ۱۳- عثمان بن علی بن ابی طالب ۱۴- عون بن علی بن ابی طالب ۱۵- جعفر بن علی بن ابی طالب ۱۶- عبیدالله بن عبدالله ابن جعفر ۱۷- عون بن عبدالله بن جعفر ۱۸- قاسم بن حسن بن علی بن ابی طالب ۱۹- ابوالفضل العباس بن علی بن ابی طالب ۲۰- محمد بن ابی سعید بن عقیل ۲۱- عبدالله بن الحسین (عبدالله رضیع) یا علی اصغر دوم ۲۲- علی اصغر (علی بن الحسین) ۲۳- عبدالله بن حسن بن علی بن ابی طالب (عبدالله اصغر)

با شهادت آخرین یاران امام در عاشورا، دشمن، برای پایان بخشیدن به حادثه، گستاخ ترو حریص تر شده بود. اباعبدالله الحسین علیه السلام، علی رغم شهادت همه ی اصحاب و تنهایی و غربت در انبوه دشمنان با آرامشی که دشمن از آن آشفته گی یاد می کند، آماده ی رقم زدن آخرین صفحات حماسه ی عظیم خودش، هر چند عاشورا با شهادت امام پایان نیافت و وطنین آن در صدای منتشر اسیران آزاد و فریادگران بیدادشکن به امروز و همیشه تاریخ رسید.

فهرست منابع

- ۱- سنگری، محمدرضا، آینه در کربلاست، انتشارات قدیانی، تهران، ۱۳۸۸.
- ۲- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، انتشارات موسسه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۹۳.
- ۳- قمی، حاج شیخ عباس، در کربلا چه گذشت؟، با ترجمه آیت الله کمره ای رحمه الله، محمدباقر، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷.